

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور
استان تهران
پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان پایان نامه :

بررسی مقایسه ای آراء فلسفی ابن مسکویه و ژان ژاک روسو در مسائل اخلاقی

استاد راهنما :

دکتر سیدعلی علم الهدی

استاد مشاور :

دکتر محمدرضا سرمدی

نگارش :

محمد مهاجرپور

اردیبهشت 1389

تقديم :

این پژوهش راپس ازهدیه نمودن به پیشگاه مقدس چهارده معصوم علیهم السلام ،به خانواده ی خوبم
که مرا در اجرای هرچه بهترنمودن روند تحقیق تشویق ویاری نمودند، می نمایم.

تقدیر و تشکر :

بدین وسیله از زحمات مجدانه استاد راهنمای بسیار فکور و مشفقم جناب آقای دکتر سیدعلی علم‌الهدی که حقیر را در کار تحقیقاتی‌ام راهنمایی نمودند تشکر و قدردانی می‌نمایم و به حق بهره‌ای از ایشان گرچه اندک بود، اما به اندازه‌ی سالیان سال زانو زدن در محضر درسی ایشان برای اینجانب ارزشمند بود.

لازم است در اینجا از بذل توجهات استاد مشاورم جناب آقای دکتر محمد رضا سرمدی که با پرداختن به نکاتی از روی تجربه‌ی علمی و پختگی استادانه اینجانب را در روند تحقیق هدایتگری نمودند، کمال تشکر و قدردانی را بنمایم.

ان شاءالله خداوند مرا مشمول دعای خیر آن اساتید فداکار قرار دهد.

چکیده :

ابن مسکویه و ژان ژاک روسو دو فیلسوفی هستند که اگر چه در نوع بیانات فلسفی خود متفاوتند ، اما از جهاتی دارای اصول و مبانی مشترک نیز می باشند.

در واقع دیدگاه ارسطویی مبنایی قرار داده شد تا به اشتراک نظرات آن دو پرداخته شود. و این اشتراک در سنت ارسطویی با سه دلیل بیان گردیده است:

در دلیل اول آن دو فیلسوف دارای مبنای اندیشه‌ای در سنت ارسطویی هستند، زیرا آراء فلسفی – اخلاقی مشترکی در مسئله ی خیر و سعادت دارند و اینکه خیر و سعادت را محصولی از فضائل عقلانی و اخلاقی می دانند.

در دلیل دوم تفکر سیاسی آن دو اندیشمند به عنوان عاملی در ارسطو گرایی بیان گردیده است. قرابت فلسفی – اخلاقی ابن مسکویه و روسو در این است که حیات جمعی انسان هابه شکل ارگانیک و اندامواری می باشد و عاملی در ایجاد فضائل و رذائل محسوب می شود. و از طرفی اشتراک نظرات آنان در مورد اجتماع ، دولت و حکومت و انواع آنها توانسته است همسویی فکری آن دو فیلسوف را در سنت ارسطویی بیشتر و بهتر نمایان کند.

و در دلیل سوم اینکه فضائل اخلاقی ناشی از عادت است و نه طبیعت، می تواند به عنوان اشتراک در ارسطو گرایی آن دو فیلسوف مطرح گردد. تفکری مشترک در این مطلب که در واقع ما به وسیله ی تربیت و ممارست و تمرین در امری عادت و ملکه پیدا می نمایم نه اینکه فضائل در سرشت و طبیعت ما وجود دارند که بدون اختیار صاحب آنها هستیم، و بنابراین می توان گفت فضائل ناشی از عاداتند و بر طبیعت افزوده می شوند.

فهرست مطالب

	فصل اول: کلیات
2	مقدمه
	فصل دوم: ابن مسکویه
8	مقدمه
9	(1-2) زندگینامه
11	(2-2) آثار
11	(3-2) اندیشه‌ها
13	(4-2) مبانی فلسفی
13	(1-4-2) تعریف خیر
15	(2-4-2) شناخت خیر
16	(3-4-2) انسان‌های نیک و بد
17	(4-4-2) تعریف سعادت
18	(5-4-2) شناخت سعادت
19	(6-4-2) انسان سعادت‌مند و شقاوت‌مند
21	(7-4-2) تعریف سیاست
23	(8-4-2) شناخت سیاست
27	(9-4-2) انسان و سیاست
29	الف) اجتماع
33	ب) دولت
35	ج) حکومت
42	(10-4-2) تعریف عادت
43	(11-4-2) شناخت عادت
44	(12-4-2) انسان و عادت
56	(5-2) آراء اخلاقی
63	جمع‌بندی

67	مقدمه
75	(1-3) زندگینامه
82	(2-3) آثار
83	(3-3) اندیشه‌ها
86	(4-3) مبانی فلسفی
86	(1-4-3) تعریف خیر
88	(2-4-3) شناخت خیر
92	(3-4-3) انسان‌های نیک و بد
94	(4-4-3) تعریف سعادت
96	(5-4-3) شناخت سعادت
98	(6-4-3) انسان سعادت‌مند و شقاوت‌مند
100	(7-4-3) تعریف سیاست
101	(8-4-3) شناخت سیاست
103	(9-4-3) انسان و سیاست
106	الف) اجتماع
115	ب) دولت
117	ج) حکومت
121	(10-4-3) تعریف عادت
123	(11-4-3) شناخت عادت
124	(12-4-3) انسان و عادت
125	الف) عاداتی که روسو با ایجاد آن در کودک مخالف است
131	ب) عاداتی که روسو با ایجاد آن در کودک مخالف نیست
138	(5-3) آراء اخلاقی
148	جمع‌بندی
149	نتیجه‌گیری
151	منابع و مأخذ

فصل اول

کلیات

مقدمه

تاکنون آدمیان بی شماری دیده به جهان هستی گشوده و گذران عمر نموده اند و دار فانی را وداع گفته اند و از خیل کثیر آنان اغلب نام نشانی هم باقی نمانده است، توگویی اصلاً به دنیا نیامده بودند بجز تعداد انگشت شماری از انسان ها که درخشش خاصی داشته و همواره زنده مانده و می ماند زیرا اعمال و افکار فلسفی و اخلاقی پسندیده و زیبایی ارائه نموده و تأثیرات مثبتی در سعادت و نیکبختی بشریت داشته اند. مطالعه و پژوهش در آراء فلسفی و اخلاقی بزرگان می تواند ما را با ژرفای اندیشه های آنان آشنا کرده و نکات مهمی را در این رابطه برای ما آشکار نماید، نکاتی که چراغ هدایت نسل های آینده بوده و خواهد بود.

هنگامی می توان به این مهم دست یافت که میان اندیشه های دو متفکر صاحب نظر، مقایسه ای تحلیلی انجام داد تا با درک همسویی ها و نا همسویی های آراء ایشان الگوی مبنایی مناسبی در مسائل اخلاقی و حتی علمی - فرهنگی به دست آورد.

در میان فلاسفه و بزرگان اخلاق ابن مسکویه و ژان ژاک روسو که از دو عصر مختلف و دو مکتب مجزا و شرایط کاملاً متفاوت اقلیمی می باشند به عنوان دو شخصیت برجسته که دارای افکار و آراء فلسفی - اخلاقی بسیار تأثیرگذار در مسئله ی اخلاق و فرهنگ در زمان خود و تا به امروز می باشند، انتخاب شده است. لذا به ترتیب آراء فلسفی و اخلاقی ایشان بطور جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد. البته اگر چه غرض مقایسه میان دو چیز هم اختلاف و هم اشتراک را در بر دارد اما در این تحقیق بیشتر به اشتراک نظرات آن دو فیلسوف پرداخته شده است.

امیداست این بررسی سرآغازی در فعالیت های بعدی در شناخت هرچه بیشتر و بهتر این دو تفکر و شخصیت باشد.

بیان مسئله

پژوهشگر در این تحقیق باید به سؤالاتی از این دست پاسخ دهد:

1- نهایت و مقصود تمامی تلاش ها، حِرَف و صنایع و بالاخره افعال از نظر این دو فیلسوف چه می باشد؟

2- موارد همسویی و همانندی ها (و البته ناهمسویی و ناهمانندی ها) میان تفکرات این دو فیلسوف چه می باشد؟ گذشت زمان، تفاوت شرایط حاکم بر زمان و جامعه، میزان پیشرفت تمدن، نوع حکومت، نوع دین و اعتقادات مذهبی و یا مسائل شخصی و... کدامیک؟

3- آیا آراء فلسفی و سیاسی تربیتی آن دو می تواند تا اندازه ای نوع برخی نگرش های امروزی در مورد آراء فلسفی صرف و خشک را متأثر سازد و نگاه نو به اخلاق و فلسفه ی آنها از خیر و سعادت، سیاست و عادت و... بر این تأثیرات صحه بگذارد؟

4- آیا ارسطوگرایی ابن مسکویه و ژان ژاک روسو توانسته است آن دو فیلسوف را به عنوان دو متفکر غایت گرا که توجه بیشتری به معنویات دارند، معرفی نماید؟

پیشینه‌ی تحقیق

اگرچه در رابطه با تفکرات میان ابن‌مسکویه و ژان ژاک روسو در مبانی فلسفه‌ی اخلاق، پژوهشی تا کنون صورت نگرفته است، لکن در زمینه‌ی فلسفه‌ی اخلاق در دیدگاه ابن‌مسکویه و دیدگاه‌های تربیتی ژان ژاک روسو و مسئله‌ی سیاست و... بطور جداگانه پژوهش‌هایی تاکنون صورت گرفته است که در بانک اطلاعات و مدارک ایران وابسته به وزارت علوم تحقیقات و فناوری و کتابخانه‌ی ملی موجود است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش کتابخانه‌ای می‌باشد. و استفاده از کتاب‌های موجود در کتابخانه‌ی ملی و کتابخانه‌های سطح شهر و دیگر کتب موجود و استخراج برخی مفاهیم بدست آمده از بعضی تحقیقات پایان‌نامه‌ای ابزارکار این پروژه‌ی تحقیقاتی بوده است.

هدف تحقیق:

مقصود اصلی در پژوهش میان آراء فلسفی - اخلاقی ابن‌مسکویه و ژان ژاک روسو این است که:
اولاً: تاکنون در ایران مقایسه‌ای میان اندیشه‌های این دو فیلسوف صورت نگرفته است.
ثانیاً: بیان مقایسه‌ی آراء این دو فیلسوف به قرابت بنیادین میان مبانی فلسفی آن دو پی برده می‌شود.
ثالثاً: از مقایسه‌ی آراء این دو فیلسوف نگاه نو‌جدیدتری در فلسفه‌ی اخلاق و مبانی آن ایجاد می‌گردد.

رابعاً: نظرات دوفیلسوف در رابطه با خیر، سعادت، سیاست، حکومت، دولت، ملکات انسانی و... و نقش آنها را در اجتماعات بشری بازگو می گردد.

تعریف واژگان

در پژوهش حاضر منظور از واژه ها و کلمات زیر که در تحقیق به کار رفته است، اشاراتی است که دواندیشمند در آثار خود داشته و به آن پرداخته اند. بنابراین شاید بتوان تعاریف دیگری غیر از این تعاریف برای آن واژه ها داشت که در تحقیق حاضر به آن پرداخته نشده باشد. همچنین به دلیل اینکه در این پژوهش به ارسطوگرایی دومتفکر پرداخته می شود برخی تعاریف واژه ها از ارسطو هم بیان می گردد.

"تعریف شماره ی 1 از ارسطو و شماره ی 2 از ابن مسکویه و شماره ی 3 از ژان ژاک روسواست"

خیر

2 و 1- غایت و مقصود هر چیزی می باشد که گاهی به چیزی سودمند اطلاق می گردد.

3- همه چیز در وهله ی اول توسط خدا خیر و نیک است و در واقع طبیعت انسان را نیک خلق کرده است.

سعادت

- 1- زندگی خوب و کامیابی عملی در دنیا و خیر اعلی آدمی.
- 2- کامیابی و تکامل در دنیا و آخرت و خیر اعلی آدمی.
- 3- تنظیم تمایلات انسان ها طبق مقتضیات جسمی و روحی خودشان.

حکمت عملی یا اخلاق

- 1- تصمیم گیری خوب و سنجش صحیح و تلاش استدلالی و تفکر آمیز برای وصول به بهترین خیرات قابل حصول برای انسان.
- 2- حالتی از نفس که آن را به انجام افعال فرا می خواند بدون آنکه به اندیشیدن متکی باشد، و به دو گونه طبیعی و غیر طبیعی (یا عادت دادن) می باشد.
- 3- آموزه هایی که انسان را به انسانیت فرا می خواند و قوه ی تمیز نیک و بد می باشد.

اخلاق سیاسی

- 1- اخلاق مبتنی بر دانشی است که به خیر اعلی می پردازد و آن دانش سیاست است.
- 2- اخلاق مبتنی بر سیاست است یعنی جز در اجتماع مدنی ممکن نمی باشد.
- 3- آموزه هایی که سرشت انسانی را از اجتماعات فاسد دور نگه دارد و باعث بیدار نمودن فضائل و اخلاق نهفته در انسان شود تا او را آماده ی زندگی اجتماعی کند.

فصل دوم

ابن مسكويه

مقدمه

در میان فلاسفه ابن مسکویه از آن دسته اندیشمندانی است که تفکراخلاقی خود را بر اساس مبانی فلسفی و اخلاقی افلاطون و ارسطو قرار داده است و از این جهت فیلسوفی یونانی مَشْرَب به حساب می آید. البته تفکرات ابن مسکویه بیشتر جنبه ی ارسطویی دارد؛ به دلیل اینکه اغلب مقالات فلسفی اخلاقی وی بر اساس نظرات ارسطو بیان گردیده است و ایشان اغلب عین به عین مطالب ارسطو را بیان می کنند و می گویند من در فلان مسئله عقیده ی ارسطو را بیشتر می پسندم، و در واقع با تمسک از عقاید ارسطو به ارائه ی تفکرات خود می پردازد. به عنوان مثال کتاب تهذیب الاخلاق ابن مسکویه در بیانات اخلاقی و فلسفه ی آن، درباره ی نفس و فضائل آن و همچنین در رابطه با خیر و سعادت، عدالت، محبت، صداقت و... می باشد که بیشتر با تمسک جستن از بیانات ارسطو از کتاب نیکوماخوس می باشد.

طبق گفته ی مترجمان و شرح حال نویسان، ابوعلی بن مسکویه را به این دلیل «معلم ثالث» لقب داده اند که در تاریخ فلسفه ی اسلامی اولین کسی است که به حکمت عملی و اخلاق پرداخته است و او را به همین سبب ارسطوی عرب نیز خوانده اند.¹

همچنین در اخلاق سیاست ایشان با تمسک جستن از برخی تفکرات ارسطو در بحث اجتماع و سیاست، اغلب بیانات خود را در بیان می آورد. به عنوان مثال ابن مسکویه در همراهی از تفکرات ارسطو انسان را ذاتاً موجودی اجتماعی بیان نموده و مدنی بالطبع عنوان کرده است، که در اثر خود به نام تهذیب الاخلاق به آن اشاره نموده است. و نظرات ابن مسکویه در رابطه با حکومت و دولت و انواع آن و بیان مفهوم آنها همگی با بهره گیری از تفکرات ارسطو از کتاب سیاست ارسطو و دیگر آثار وی می باشد.

ابن مسکویه به مسئله ی عادت و ملکات در اخلاقیات اشاره دارد که این فلسفه ی اخلاقی را در مبحث حکمت عملی مدیون نظرات ارسطو می باشد زیرا در کتاب نیکوماخوس ارسطو اشاره به غیر طبیعی بودن اخلاق شده است و ابن مسکویه در همراهی با این نظریه اخلاقیات را نه یک امر فطری و ذاتی بلکه

1- مهاجرنیا، محسن، اندیشه ی سیاسی مسکویه، 1380، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم بوستان کتاب، ص 50.

امری که با عادات بدست می آید بیان می کند. که در تمامی قسمت های این فصل به اندیشه های ابن مسکویه در همین رابطه پرداخته شده است.

2-1) زندگینامه

در این مبحث نخست به تلفظ صحیح نام ایشان اشاره می گردد که مهم به نظر می آید. در کتاب حدیث اندیشه در مورد نام این فیلسوف مسلمان چنین آمده است:

« نام وی احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه است. اسم هایی که با "ابن" همراه هستند، اگر آن نام اول یعنی ابن، لقبی داشته باشد، جای لقب، ابتدا اسم او را به کار می بریم و سپس نام پدر و جدّ را به آن اضافه می کنیم و به این ترتیب جای آن عوض می شود. مثلاً گاه ابوعلی مسکویه می شود و گاه ابوعلی احمد بن محمد مسکویه و گاه ابوعلی احمد بن محمد یعقوب مسکویه. در همه ی این صورت ها جای مسکویه به اعتبار لقب بعد از آخرین نام است که نام پدر یا جد باشد. همین امر سبب شده تا در مورد بسیاری از اعلام ما اشتباه رخ بدهد. بنابراین ایشان ابن مسکویه نیستند، بلکه خود مسکویه اند.»²

اما در ادامه در بیان اعراب و حرکات حروف ابن مسکویه، در این کتاب آمده است: اصل این نام مشکویه است که بدنبال نام وی رازی آمده است. یعنی ایشان ایرانی و از اهالی ری است. به بیان دیگر هم نام و هم اصل و نسب او ایرانی است. در فارسی گاه مُشک می گوئیم و گاه مِشک. در تعریف این کلمه مسک را به جای مُشک و مُشک به کار برده اند.

به بیان دیگر مُعربِ کلمه ی مُشک، مسک است. کلماتی هم که «اویه» دارند در تعریف گاهی «اویه» و گاهی «ویه» تلفظ می شوند. ویه مثل: مسکویه، سیبویه، خالویه، دادویه و اگر این کلمات با اویه تلفظ شوند به این صورت در می آیند: مسکویه، خالویه، دادویه، سیبویه. خلاصه هر دو ضبط در متون قدیم موجود است. عرب ها امروز «مسکویه» «Miska waye» را به کار می برند.³

2- نصری، عبدالله، حدیث اندیشه گفتگوهایی در باب تاریخ فلسفه ی اسلامی، 1379، انتشارات سروش، ص 100.

3- همان، ص 100-101.

بنابراین می توان گفت مُسکویه یا مسکویه و به صورت رایج در زبان فارسی احمد مُسکویه یا مسکویه است.⁴ البته در زبان عربی می توان گفت مسکویه اما ابن مسکویه هم می توان گفت زیرا در کتاب تاریخ فلسفه در اسلام بیان شده تا کنون قطعی نشده است که آیا مسکویه خود او بوده یا او پسر (ابن) مسکویه بوده.⁵

اما در مورد سال تولد او اختلاف است ولی حدود سال 320⁶ و سال 325 ه.ق هم بیان شده است.⁷ محل تولد او را مشترکاً در تمامی اقوال، شهر ری می دانند و در وفات او سال 420 یا 421 ه.ق بیان شده است که مورد وثوق تمامی اندیشمندان است و محل وفات هم خواجه اصفهان آمده است. در کتب تاریخ فلسفه ی اسلامی، حدیث اندیشه و تاریخ فلسفه در اسلام، هم عصران وی ابوعلی سینا، ابو ریحان بیرونی، و در قولی دیگر ابوسهل مسیحی و ابو الخیر خمار هم آمده است.⁸

از جوانی ابن مسکویه اطلاعات دقیقی در دست نیست. در یک جا از پدر و مادر خود به دلیل مجبور کردن او به خواندن اشعار جاهلی عرب انتقاد می کند. و گفته شده در دوره ی جوانی خوش گذران بوده سپس به تهذیب نفس پرداخته.⁹

در دین و مسلک او گفته شده است ابتدا مجوسی (زرتشتی) بوده و بعد به دین اسلام در آمده اما این امر ممکن است در مورد پدر مسکویه صادق باشد، زیرا خود او، چنان که از نامش بر می آید پسر پدر مسلمان است که نام او محمد بوده است.¹⁰ زیرا نام کامل ایشان احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه است و احمد بن محمد رازی معروف به ابوعلی مسکویه و ابوعلی الخازن و همچنین احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه خازن بیان شده است. همچنین می توان گفت که از همه ی قرائن بر می

4- کوربن، هانری، تاریخ فلسفه ی اسلامی، 1373، ترجمه ی جواد طباطبایی، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص 248.

5- شریف، میر محمد، تاریخ فلسفه در اسلام، 1362، جلد اول، مرکز نشر دانشگاهی، ص 665.

6- نصری، حدیث اندیشه، ص 99.

7- نعمه، شیخ عبد الله، فلاسفه ی شیعه، 1367، ترجمه سید جعفر غضبان، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ص 171.

8- همان، ص 171.

9- نصری، حدیث اندیشه، ص 99.

10- شریف، تاریخ فلسفه در اسلام، ص 665.

آید که او شیعی بوده است: پذیرفته شدن به مصاحبت با دیلمیان، تجلیل خواجه نصیر طوسی از او و بالاخره برخی از فقرات کتاب های او¹¹ می تواند دلیلی بر این مدعا باشد.

2-2 آثار

تحدود بیست اثر از او بیان شده است¹² که عبارتند از:

- 1- الفوز الاکبر 2- الفوز الاصغر 3- تجارب الامم (تاریخی) 4- انس الفرید (مجموعه ی لطیفه ها و...)
- 5- ترتیب السعاده (در اخلاق و سیاست) 6- الموسستوفی (در اشعار) 7- جاویدان خرد (در نصایح حکمی)
- 8- الجامع 9- السیر (در زندگی) 10- درادویه ی مفرده (در پزشکی) 11- در ترکیب با جات (در فن آشپزی)
- 12- کتاب الاشربه (در آشامیدنی ها) 13- تهذیب الاخلاق (در اخلاق) رساله فی اللذه والالم فی جوهر النفس 15- اجوبه و اسئله فی النفس والعقل 16- الجواب فی المسائل الثلاث 17- رساله فی جواب فی سؤال علی بن محمد ابوحیان الصوفی = [التوحیدی] فی حقیقه العقل 18- طهاره النفس.¹³

در کتاب تاریخ فلسفه در اسلام بیان می شود کتاب جاویدان خرد (که مجموعه ای از نصایح حکمی است) را عبدالرحمن بدوی زیر عنوان الحکمه الخالده چاپ کرده است.¹⁴

2-3 اندیشه ها

بالاخره ابن مسکویه در طول صد سال عمر خود مراحل زندگی مختلف داشته. در ابتدای عمر خود خوشگذران و سرگرم ظواهر زندگی بوده که در تهذیب الاخلاق به آن اشاره می کند.¹⁵ در آغاز

11- کورین، تاریخ فلسفه ی اسلامی، ص 248 - 249 .

12- همان، ص 249.

13- شریف، تاریخ فلسفه در اسلام، ص 666-667.

14- همان، ص 666، پاورقی.

15- نصری، حدیث اندیشه، ص 101.

جوانی سرگرم مطالعه ادبیات مبتذل عرب بوده است که این مسیر دگرگون شده به کسب کمالات اخلاقی تغییر می کند.

شخصیت ایشان از دو جنبه اهمیت دارد: یکی از جنبه ی تاریخی و دیگری از جنبه ی فلسفی. در تاریخ فلسفه ی اسلامی بیانی آمده است که: مسکویه هم به حکمت نظری پرداخته هم عملی. در حکمت نظری در اثبات صانع بر برهان حرکت تکیه کرده... او انسان محقق را یک فیلسوف می داند... و در فوزالاصغر به مسئله ی اثبات صانع، نبوت و معاد می پردازد. رسائلی هم درباره ی عقل و نفس دارد.¹⁶

وی انسان را وقتی کامل می داند که فیلسوف شود. انسان کامل همه ی مراحل اندیشه را پشت سر گذاشته و در ادامه ی این کتاب آمده است: مسکویه بیشتر نگران آدمی است آن چه موجب دغدغه ی خاطر اوست مسئله ی نیک بختی انسان است.¹⁷

ابن مسکویه در باب نفس و استعدادها و عوامل ضرورت آن بسیار تأمل کرده است. مطالب او بیشتر جنبه ی ارسطویی دارد، زیرا به ارسطو خیلی احترام و ارادت دارد. وی آثار ارسطو را جهت تدرّج به سوی کمال وصول به سعادت مرتب می داند ولذا آثار وی را از جهت وصول به سعادت و نیک بختی دسته بندی می کند.¹⁸

ابن مسکویه یک دانشمند خرد گرا و ارسطویی است. مطالب او درباره ی نفس نیز جنبه ی ارسطویی دارد. او برای نفس کمال را قائل است که سعادت آن است و همچنین دارای نواقصی است که انگیزه ی شقاوت آن است. نفس دارای جنبه های منفی و مثبت است. اگر به طرف جنبه های مثبت برود به سعادت می رسد و اگر به طرف جنبه های منفی سیر کند از شقاوت سردر خواهد آورد.

همچنین ابن مسکویه به مسئله ی تربیت توجه بسیار دارد. انسان را موجودی می داند که هم می تواند خوب باشد و هم بد. عواملی انسان ها را به سوی خوبی ها و عواملی به سوی بدی ها سوق می

16- همان، ص 102.

17- همان، ص 103.

18- همان، ص 102.

دهند. که در این رابطه در مقدمه ی کتاب تهذیب الاخلاق سوره ی شمس آیه ی 9 و 10: "قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا" را مطرح می سازد.

همچنین در کتاب فوزالاصغر به ابواب ششگانه ی تهذیب اشاره کرده و آراء دانشمندان و فلاسفه را درباره ی جبَلت انسان و استعدادهای او مطرح کرده است.¹⁹

به هر حال در مورد ابن مسکویه و زندگی او اقوال متفاوتی آمده است البته به گفته ی خودوی جوانی اش رادر خوشگذرانی تلف نموده است. مثلاً توحیدی که البته از نوع مرام و قلمش برمی آید دشمنی خاصی با ابن مسکویه داشته است او را فردی منافق و به دنبال مال دنیا (که به علم کیمیا می پرداخته) و واعظ بی عمل بیان می کند. اما باقی عمر خود را بخصوص دوران کهنسالی را به تهذیب نفس و بیان اینگونه اقوال صرف نموده است.²⁰

2-4) مبانی فلسفی

در مبانی فلسفی ابن مسکویه به مفهوم و شناخت و انسان در رابطه با خیر سعادت ، سیاست و عادت پرداخته می شود:

2-4-1) تعریف خیر

ابن مسکویه در تعریف خیر به پیروی از ارسطو معتقد است که خیر غایت و هدف هر چیزی می باشد و گاهی غایت سودمند و نافع را خیر می خواند. وی معتقد است که خیر برای همه ی انسان هاست و همه ی انسان ها در آن طبیعت به نوعی با هم مشترک می باشند.²¹ ایشان در ادامه، خیرات را

19- همان، ص 104.

20- همان، ص 174-176.

21- ابن مسکویه، تهذیب الاخلاق، ترجمه ی علی اصغر حلبی، 1381، انتشارات اساطیر، ص 124.